

---

## تبیین چگونگی تأثیر دعا بر معنویت و اخلاق به عنوان یکی از اهداف بیانیه گام دوم انقلاب با تأکید بر دعای مکارم الاخلاق

---

طاهره عبداللهی<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)  
احسان شکوهمند<sup>۲</sup>

### چکیده

دعا در متون دینی به عنوان یکی از مهم‌ترین راه‌های ارتباط با خداوند مورد تأکید قرار گرفته است. از سویی دعای مکارم الاخلاق به جهت دربرداشتن مضامین بسیار غنی و مفاهیم اخلاقی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ لذا این پژوهش برآن است تا با روش تحلیل محتوای کیفی، به تبیین چگونگی تأثیر دعای مکارم الاخلاق بر تحقق معنویت و اخلاق به عنوان یکی از اهداف بیانیه گام دوم انقلاب بپردازد. تحلیل محتوایی فرازمینی از این دعا، نشان می‌دهد که دعا، علاوه بر آثار تکوینی و هدایتی ناشی از استمداد دعاکننده از خداوند جهت نیل به کمال اخلاقی، ظرفیت‌های ویژه‌ای برای طراحی الگوهای تربیتی در

---

۱. دکتری تفسیر تطبیقی مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، طلبه و پژوهشگر جامعه الزهرا سلام الله علیها. [abdolahee@gmail.com](mailto:abdolahee@gmail.com)

۲. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی، [shukuhmand@gmail.com](mailto:shukuhmand@gmail.com)

ساحت اخلاق و معنویت دارد به گونه‌ای که می‌توان از طریق کاربرست این الگوها در تعلیم و تربیت رسمی و غیر رسمی، عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه افزایش داد. از جمله، در بخش نخست دعا، ضمن بیان مراحل کمال فردی، راهکارهای نیل به آن مراحل و آسیب‌ها و رذایل اخلاقی متناظر بیان شده است، به گونه‌ای که علاوه بر آثار تربیتی ذی‌قیمت بر روی دعاکننده می‌تواند الهام بخش طراحی الگوهای پیشرفته تعلیم و تربیت برای صاحب‌نظران تربیتی باشد.

**کلیدواژگان:** دعا، معنویت و اخلاق، دعای مکارم الاخلاق، بیانیه گام دوم.

## مقدمه

از محورهای مورد بحث در بیانیه گام دوم انقلاب توصیه به معنویت و اخلاق می باشد. این مسئله به ویژه در زندگی فردی و اجتماعی آحاد جامعه اسلامی از اهمیت بالایی برخوردار است. رهبر انقلاب، معنویت و اخلاق را جهت دهنده همه حرکت ها و فعالیت های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه می دانند؛ بودن آن ها محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می سازد و نبودن آن ها، با برخورداری مادی، جهنم می آفریند.

شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می آورد؛ این، بی گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت البته با دستور و فرمان به دست نمی آید، پس حکومت ها نمی توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند. (متن بیانیه گام دوم انقلاب)

از جمله راهکارهای تبیین معنویت و اخلاق مراجعه به سیره و روش امامان معصوم علیهم السلام است که بهترین و کاملترین الگوی عملی را ارائه می دهند در این میان ادعیه مؤثر از امامان نقش بسزایی در تبیین معنویت و اخلاق دارند. دعای بیستم از صحیفه سجادیه (مکارم الاخلاق و مرضی الافعال است که حاوی نکات اخلاقی بالایی بوده و بسیار مورد توجه عالمان دینی قرار گرفته است؛ اما تحقیق های انجام شده بیشتر به شرح و تفسیر این دعا پرداخته اند و تاکنون پژوهشی با تحلیل محتوای فرازهای دعا، به بررسی تأثیر این دعا در ابعاد مختلف اخلاق و معنویت فرد و جامعه نپرداخته است.

این پژوهش برآن است با روش تحلیل محتوا به عنوان یکی از کارآمدترین روش های

تحقیق به جهت بیان مراحل کمال انسان و ارائه راهکارهای نیل به این کمال در جهت ارتقای معنویت و اخلاق در فرد و جامعه از زبان گهربار امام سجاد علیه السلام پرداخته و فراتر از بیان نقش دعا به عنوان عامل جهت دهنده و اثر بخش در حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی به طراحی الگوی تعلیم و تربیت متناسب با اهداف بیانیه گام دوم انقلاب پرداخته است.

به عبارتی دیگر آنچه در این دعا مورد نظر می‌باشد؛ بیان ویژگی‌های فرد حائز مکارم الاخلاق و جامعه برخوردار از کمال اخلاقی است و این که امام چه مسیری را برای نیل به این اهداف معرفی می‌کند و چه راهکارهایی را ارائه می‌دهد؟

از میان رویکردهای مختلف در اخلاق، موضوعات اخلاقی به تناسب متعلق افعال به «اخلاق الهی»، «اخلاق فردی»، «اخلاق جمعی» و «اخلاق محیط زیست» تقسیم می‌گردد که در تحلیل فرازهای دعا، به جهت رعایت حجم مقاله، بر سه محور اخلاق الهی، فردی و جمعی تأکید گردیده است. و با توجه به گستردگی فضایل مطرح در دعا- دو محور ۱. عبودیت، بندگی (اخلاق فردی) ۲. مودت، نیکی، اعتدلال، میانه‌روی و برقراری پیوند با دیگران (اخلاق اجتماعی) می‌باشد. همچنین شناخت آسیب‌های سیر معنوی به عنوان یکی از تأثیرات دعا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## مفهوم‌شناسی

### ۱. مفهوم معنویت

واژه «Spirituality» به معنویت ترجمه می‌شود. «معنویت» اسم مصدر و به معنی معنوی بودن (دهخدا، واژه «معنویت») در مقابل صوری، مربوط به باطن و درونی است. (فرهنگ عمید، واژه «معنویت») مصباح می‌گوید برخی معتقدند معنویت، با آگاهی از بعد غیر مادی به وجود می‌آید و ارزش‌های تشخیصی، آن را مشخص معین می‌کند. این ارزش‌ها به دیگران، خود، طبیعت و زندگی مربوط هستند و به هر چیزی که فرد به عنوان غایت قلمداد می‌کند،

اطلاق می‌شود. (مصباح، ۱۳۹۲، ص ۳۶) مروری بر تعاریف معنویت حاکی از آن است که اغلب تعاریف قائل به دو بعدی بودن معنویت هستند. بعد اول، معنویت مذهبی است و بعد دوم، معنویت وجودی است که در آن تجربیات روان‌شناختی خاصی که در واقع ارتباطی با وجود مقدس یا واقعیت غایی ندارد، مد نظر می‌باشد. تعریف سنتی معنویت، بر مذهب و دین تأکید می‌کند، در حالی که در سال‌های اخیر معنویت به طور وسیع‌تری تعریف شده و یکپارچه‌کننده همه جنبه‌های زندگی و تجربه بشر است. واژه معنویت و مشتقات آن گرچه در منابع اصیل اسلامی به کارنرفته است ولی در ادبیات مسلمانان رواج یافته است.

## ۲. دیدگاه اندیشمندان درباره معنویت

امام خمینی در صحیفه امام می‌نویسد: معنویت مجموعه صفات و اعمالی است که شور و جاذبه قوی و شدید و درعین حال منطقی و صحیح را در انسان به وجود می‌آورد تا او را در سیر به سوی خدای یگانه و محبوب عالم به طور اعجاب‌آوری پیش ببرد. (خمینی، ۱۳۷۸: ۱۶/ ۷) مرتضی مطهری نیز معنویت را نوعی احساس و گرایش ذاتی انسان نسبت به امور غیر مادی مانند علم و دانایی، خیرخواهی، جمال و زیبایی، تقدس و پرستش می‌داند که وجه تمایز انسان و موجودات دیگر می‌باشد. (مطهری، ۱۳۷۲: مقدمه‌ای بر جهان‌بینی توحیدی) علامه طباطبائی اساس سیر باطنی و حیات معنوی را پذیرش اصالت عالم معنی می‌داند؛ عالمی که شامل کمالات باطنی و مقامات معنوی به عنوان «واقعیت‌های حقیقی بیرون از واقعیت طبیعت و جهان ماده است» (علی مصباح، ۱۳۸۹، ص ۲۸، واکاوی مفهومی معنویت و مسئله معنا) مقام معظم رهبری در متن بیانیه گام دوم انقلاب، معنویت را به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل و ایمان در خود و جامعه دانستند. (بیانیه گام دوم انقلاب)

## ۲. مفهوم اخلاق

«اخلاق» واژه عربی است که مفرد آن «خُلُق» و «خُلُق» می‌باشد و به معنای «سرشت،

طبیعت» به کار رفته است. (فراهیدی، ۱۴۰۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲؛ طریحی، ۱۳۷۵) واژه خلق). این واژه در اصطلاح دانشمندان معنای متفاوتی دارد. مهم‌ترین این معانی عبارتند از: ۱. صفت‌های پایدار نفسانی؛ ۲. صفت‌های فعل؛ ۳. اخلاق نیک و فضیلت‌های اخلاقی (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۱۳-۱۵)

در بیانیه گام دوم، اخلاق به معنای رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع و اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکوست. معنویت و اخلاق، جهت دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آن‌ها محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن‌ها، با برخورداری مادی، جهنم می‌سازد. (متن بیانیه گام دوم)

### اخلاق الهی

مراد از «اخلاق الهی»، آن دسته از فضیلت‌ها و رذیلت‌های انسانی است که با توجه به رابطه انسان و خداوند لحاظ می‌شوند؛ مانند خضوع و خشوع در برابر خدا در اثر درک عظمت خداوند بلند مرتبه، ایمان و یقین به خدا و... ویا رذیلت‌های اخلاقی و کارهای ناپسند انسانی همانند غفلت، کفر، نفاق و استکبار.

### اخلاق فردی

کارهایی است که به خود شخص مربوط می‌شود و رابطه با خدا در آن‌ها اصالتاً منظور نیست. «اخلاق فردی» همانند «اخلاق الهی» به دو دسته کلی فضیلت‌ها همانند زهد، قناعت، محاسبه نفس و رذیلت‌ها همانند دنیاگرایی، عُجب، کبر، سستی و تنبلی و پیروی از ظن و گمان تقسیم می‌شود.

### اخلاق اجتماعی

منظور ملکات و صفاتی است که در رابطه و معاشرت انسان و جامعه پیدا می‌شود

به گونه‌ای که اگر جامعه و اجتماعی در کار نباشد، آن صفات مفهومی نداشته و تحقق نمی‌پذیرند؛ «اخلاق اجتماعی» همانند «اخلاق الهی و فردی» به دو دسته کلی فضیلت‌ها همانند عفو و گذشت، مودت و اخوت با مؤمنان، نفرت از دشمنان، وفای به عهد، شنیدن سخن حق، مدارا، وجدان کاری... و رذیلت‌ها همانند عیب‌جویی از دیگران، بخل، عزلت، سوء ظن، ظلم، غیبت، تهمت و تمسخر... تقسیم می‌شود. (صادقی، ۱۳۹۶: ص ۱۰۴ به نقل از اخلاق اسلامی مصباح یزدی)

### ضرورت پرداختن به دعای مکارم الاخلاق با نظر به توصیه‌های بیانیه گام دوم:

دعای مکارم الاخلاق یا دعای بیستم صحیفه سجادیه از دعاهای مأثور از امام سجاد علیه السلام که در آن برای کسب اخلاق نیک و انجام کارهای پسندیده و دوری از رذایل اخلاقی، از خداوند درخواست یاری می‌شود. درخواست‌ها در این دعا شامل اخلاقیات در سه محور اخلاق الهی، اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی است. همچنین امام سجاد علیه السلام در این دعا به موانع رشد انسان و راه‌های نجات او از شر القائنات شیطان اشاره کرده است. این دعا به دلیل دربرداشتن تعالیم انسان ساز جهت کسب اخلاق و انجام کارهای پسندیده، دعای مکارم الاخلاق نامیده شده است.

رهبر کبیر انقلاب در زمانی که دشمنان انقلاب گمان‌های باطلی در سر داشتند و در آستانه چهلمین سالگرد پیروی انقلاب اسلامی و قدم نهادن در دهه پنجم حیات خود، با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» به تبیین دستاوردهای شگرف چهارده دهه گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به منظور «جهاد بزرگ ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرمودند.

«بیانیه گام دوم انقلاب» تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به ویژه جوانان که به مثابه منشوری برای «دومین مرحله خودسازی و... خواهد بود. در توصیه‌های رهبری «معنویت و اخلاق» جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌ها فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است. از سویی مضامین دعای مکارم الاخلاق در بردارنده محورهای اخلاق فردی و اجتماعی است که بیان‌گر اثر دعا بر معنویت و اخلاق می‌باشد.

## تحلیل محتوای دعای مکارم الاخلاق

تحلیل محتوا روشی کیفی است که به بررسی عمیق محتوای مورد نظر می‌پردازد؛ به‌گونه‌ای که منجر به استخراج الگو و در نهایت به استخراج نظریه منجر می‌گردد. از این رو با بهره‌گیری از این روش، فرازهایی از دعای مکارم الاخلاق در جدول ذیل پیاده‌سازی شده است که به جهت رعایت حجم مقاله تنها به ذکر جنبه اخلاق الهی، فردی و جمعی اکتفا شده است.

در فرازهای نخست دعای مکارم الاخلاق، ابتدا نقشه راه برای رسیدن به مراحل کمال انسان ترسیم شده است؛ با این توضیح که، در ابتدا چهار مرحله، تکمیل ایمان، نیت، یقین و عمل بیان می‌گردد. (اخلاق الهی) سپس راهکارهای برخورداری از فضایل اخلاقی و دفع رذایل در غالب آسیب‌های سیر معنوی برای رسیدن به رشد و کمال اخلاقی مطرح می‌شود. همانگونه که پیشتر مطرح شد باتوجه به گستردگی فضایل مطرح در دعا- دو محور ۱. عبودیت، بندگی (اخلاق فردی) ۲. مودت، نیکی، اعتدلال، میانه‌روی و برقراری پیوند با دیگران (اخلاق اجتماعی) مورد نظر قرار گرفته، همچنین شناخت آسیب‌های سیر معنوی به‌عنوان یکی از تأثیرات دعا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### بیان مراحل کمال اخلاق

متن دعا	موضوع کلی	رویکرد اخلاقی
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،	درخواست درود بر پیامبر و خاندانش	اخلاق الهی
وَ بَلِّغْ بِإِيمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ	درخواست اکمال دین	اخلاق الهی
وَ أَنْتَهُ بِنِيَّتِي إِلَى أَحْسَنِ النِّيَّاتِ	درخواست احسن نیت	اخلاق الهی
وَ اجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ	درخواست افضل یقین	اخلاق الهی
بِعَمَلِي إِلَى أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ	درخواست احسن اعمال	اخلاق الهی



### عبودیت و بندگی

متن دعا	موضوع کلی	رویکرد اخلاقی
عَبْدُنِي لَكَ	درخواست قرارگرفتن در مسیر بندگی	اخلاق الهی
وَلَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ	عدم فساد عبادت با عجب	اخلاق فردی
وَعَمَّرَنِي مَا كَانَ عُمْرِي بِذِلَّةٍ فِي طَاعَتِكَ، فَإِذَا كَانَ عُمْرِي مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَأَقْبِضْنِي إِلَيْكَ قَبْلَ أَنْ يَشِيقَ مَفْتُكَ إِلَيَّ، أَوْ يَشْتَحِكَمَ غَضْبُكَ عَلَيَّ.	درخواست طول عمر در مسیر بندگی و اطاعت	اخلاق فردی
وَلَا تَبْتَلِيَنِي بِالْكَسَلِ عَنِّ عِبَادَتِكَ	دوری از سستی و تنبلی در عبادت	اخلاق فردی
فَلَا أَشْتَغَلْ عَنِّ عِبَادَتِكَ بِالطَّلَبِ، وَلَا أَحْتَمِلْ إِضْرَ تَبِعَاتِ الْمَكْسَبِ.	دوری از عبادت به جهت طلب روزی	اخلاق فردی
وَاسْتَعْمَلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهْلَةِ	اشتغال ب طاعت در ایام مهلت	اخلاق فردی
وَازْرُقْنِي صِحَّةً فِي عِبَادَةٍ	درخواست صحت در عبادت	اخلاق فردی

### مودت، نیکی و برقراری پیوند با دیگران، اعتدال و میانه روی

متن دعا	موضوع کلی	رویکرد اخلاقی
وَ أَجْرٍ لِلنَّاسِ عَلَيَّ يَدِي الْخَيْرِ وَ لَا تَمَحِّقْهُ بِالْمَنِّ	خیرخواهی و دوری از منت گذاری	اخلاق اجتماعی
إِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ	اصلاح گری	اخلاق اجتماعی
صِمِّ أَهْلَ الْفُرْقَةِ،	برقراری پیوند و اخوت با مومنان	اخلاق اجتماعی
حسن السیره	خوش رفتاری	اخلاق اجتماعی

### دوری از بدرفتاری، دشمنی و ظلم

متن دعا	موضوع کلی	رویکرد اخلاقی
أَبْدِلْنِي مِنْ بَعْضِهِ أَهْلِ الشَّيْءِ الْمُحِبِّهِ	درخواست تبدیل کینه به محبت	اخلاق فردی - اجتماعی
وَ مِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبَغْيِ الْمَوَدَّةَ	درخواست تبدیل حسد به مودت	اخلاق اجتماعی
وَ مِنْ ظَلَمَةِ أَهْلِ الصَّالِحِ الثَّقَةِ	تبدیل بدگمانی به اطمینان	اخلاق اجتماعی
وَ مِنْ عَدَاوَةِ الْأَدْنِيِّينَ الْوَلَايَةَ	تبدیل دشمنی به دوستی	اخلاق اجتماعی
وَ مِنْ عُقُوقِ ذَوِي الْأَرْحَامِ الْمَبْرُورَةِ،	دوری کردن خویشان را به خوشرفتاری	اخلاق اجتماعی

### بیان مراحل کمال اخلاق

در فرازهای ابتدایی دعای مکارم الاخلاق، امام سجاد علیه السلام پس از درخواست درود بر محمد و خاندانش، از خداوند کاملترین درجه ایمان، بالاترین مرتبه یقین، بهترین درجه نیت و بهترین اعمال را درخواست نمودند. (اخلاق الهی) سپس در ادامه دعا، راهکارهای رسیدن به این مراتب را بیان داشتند و آفت‌هایی که در مسیر حرکت اخلاقی و معنوی انسان قرار دارد را متذکر شدند. از میان راهکارها دو محور ۱. عبودیت، بندگی (اخلاق فردی) ۲. مودت، نیکی، اعتدال و میانه روی و برقراری پیوند با دیگران (اخلاق اجتماعی) مورد نظر قرار گرفته و برخی آفت‌ها به اختصار بررسی می‌شود.

### درخواست بندگی و عبودیت

از آنجاکه جوهره انسان در بندگی خدا نهفته است، مهم‌ترین فضیلت انسان، پرستش و کرنش در مقابل خداوند می‌باشد و همین جنبه عبادی انسان، سبب امتیاز بر دیگر موجودات می‌گردد و زمینه‌ساز رسیدن به کمال انسانی می‌شود.

امام سجاد علیه السلام در پیشگاه الهی عرض می‌کند: «عَبِدْنِي لَكَ وَلَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ» بارالها! مرا به عبودیت و ذلت در مقابل ذات مقدست و ادا ساز و عبادتم را بر اثر عجب

فاسد منما.

راغب اصفهانی در معنای عبودیت می‌نویسد: «العبودیه اظهار التذلل و العباده ابلغ منها لانها غايه التذلل» (راغب اصفهانی، ۱۴۲۲: ۱/ ۳۱۹) عبودیت به معنای اظهار ذلت است، ولی عبادت بالاتر از عبودیت است، زیرا عبادت نهایت درجه تذلل است و این تذلل نهایی، فقط و فقط شایسته ذات اقدس الهی است برای آن که او آفریدگار و مالک واقعی تمام عوامل هستی است و همه موجودات در پیشگاه مقدسش بندگی دارند.

در کتاب ریاض الساکین ذیل جمله و عبدنی لک آمده: ای ذللی. یعنی بار خدایا! مرا در پیشگاه مقدس خود، ذلیل قرار ده. شاید بتوان در تفصیل و توضیح جمله و عبدنی لک این احتمال را ذکر نمود که امام سجاد علیه السلام می‌خواهد در پیشگاه خدا عرض کند: بارالها! همانطور که بر ابراهیم خلیل منت گذاردی و درباره‌اش فرمودی: و اتخذ الله ابراهیم خلیلاً. و فرمودی: خداوند، ابراهیم را خلیل خود گرفت و او را به دوستی خویش برگزید، بر علی بن الحسین نیز منت بگذار، مرا بنده خود بگیر و به این عزت و افتخار سر بلندم فرما. (مدنی شیرازی، بی تا: ۳/ ۲۹۶)

راغب در مفردات قرآن می‌گوید: و عبدت فلانا اذا اتخذته عبداً. موقعی که شخصی را به بندگی خود بگیری می‌گویی عبدت فلانا یعنی فلانی را بنده خود گرفتم. سپس راغب از قرآن شریف شاهد می‌آورد و سخن حضرت موسی را ذکر می‌کند که به فرعون گفت: و تلک نعمه تمنها علی ان عبدت بنی اسرائیل بر ما منت می‌گذاری که بنی اسرائیل را به بندگی و بردگی خود گرفتی؟ (راغب اصفهانی، ۱۴۲۲: ۱/ ۳۳۰)

به عبارت روشنتر خداوند را دوست داشتن برای بندگان با ایمان مایه سربلندی و افتخار است، ولی از آن مهم‌تر این است که خداوند نیز بنده با ایمان را به دوستی خود برگزیند و او را خلیل خویش قرار دهد و این افتخار به تصریح قرآن، نصیب ابراهیم خلیل گردید. همچنین، افراد با ایمان به بندگی خداوند مباحات می‌کنند و از این که طوق بندگی غیر خدا را به گردن نگرفته و اسیر آن نشده‌اند مسرورند. البته بندگی خداوند به آدمی قدر و قیمت

می بخشد و به وی عزّ و بزرگی می دهد، ولی مهم تر از بندگی خدا این است که باری تعالی عبودیت بنده را بپذیرد و او را بنده خود بگیرد. جمله و عبدنی لک که در دعای امام سجاد علیه السلام آمده ممکن است ناظر به این مهم باشد و امام علی علیه السلام می خواهد عرض کند: بارالها! من بندگی و عبودیت را در پیشگاه مقدس و وظیفه قطعی خود می دانم و تا آن جا که بتوانم عمل می کنم ولی از تو می خواهم که بر من منت بگذاری، مشمول تفضلت قراردهی، تذلل را بپذیری و مرا به عبودیت و بندگی خودت بگیری. تذلل و عبودیت در پیشگاه الهی موجب طاعت و فرمانبرداری از اوست و اطاعت از اوامر باری تعالی مایه عز و محبوبیت است. بندگی و اطاعت از هوای نفس آدمی را به راه گناه سوق می دهد و گناه مایه خواری و ذلت گنهکار است، راه رهایی از ذلت گناه بازگشت به سوی خداوند و اطاعت از اوامر ذات مقدس اوست. (رک: فلسفی، ۱۳۹۸: ۱/ ۶۷)

عن ابی عبد الله علیه السلام قال: من اراد عزاً بلا عشیره و غنی بلا مال و هیبه بلاسلطان فلینتقل عن ذل معصیه الله الی عز طاعته؛ امام صادق علیه السلام فرموده: کسی که می خواهد بدون داشتن عشیره و فامیل در جامعه عزیز باشد، آن کس که می خواهد بدون داشتن ثروت و مال غنی و بی نیاز باشد، آن که می خواهد بدون دارا بودن سلطه و قدرت واجد هیبت و ابهت باشد باید از محیط ذلت گناه به فضای نورانی اطاعت از باری تعالی منتقل گردد. (مجلسی، ۱۳۱۵: ۱۷۸ / ۶۸؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۱/ ۱۶۹).

#### درخواست طول عمر تا زمان خدمت در اطاعت

در سخن امام علیه السلام «عَمَّرَنِي مَا كَانَ عُمُرِي بِذِلَّةٍ فِي طَاعَتِكَ...» دو کلمه به کار رفته که برای روشن شدن بحث، لازم است در مورد هر دو به اختصار توضیح داده شود: یکی کلمه بذله است و آن دیگر کلمه مرتع. بذله در لغت عرب به معنای لباس کار و خدمت است. به کار بردن این تشبیه بسیار لطیف در کلام امام می تواند روشنگر پاره ای از حقایق جالب باشد. امام سجاد علیه السلام از خدا درخواست عمری دارد که در تمام شبانه روز برای او لباس کار و خدمت در اطاعت ذات اقدس باری تعالی باشد، حتی عمری را که در خواب صرف می کند

به منظور حفظ سلامت و اطاعت از امر حضرت احدیت باشد، به عبارت دیگر، اگر لباس عمر در تمام شبانه روز، جامه اطاعت از فرمان خدا باشد، برای امام سجاد علیه السلام ارزشمند و پرقیمت است، اما اگر عمر گاهی در طاعت الهی صرف شود و گاه در عصیان سپری گردد، آن عمر در نظر امام سجاد علیه السلام لباس اطاعت نیست و فاقد ارزش مورد نظر امام است.

مرتع در لغت عرب به معنای چراگاه است. امام سجاد علیه السلام به پیشگاه خدا عرض می‌کند: بارالها! اگر عمر من چراگاه شیطان باشد آن را از من بگیر و به زندگیم پایان بخش. به کار بردن کلمه مرتع در مورد عمر، تشبیهی بسیار لطیف است و حاوی پاره‌ای از نکات دقیق و جالب توجه است. خوراک گاو و گوسفند را گاهی در کیسه‌ای می‌ریزند و به گردنش می‌آویزند، تمام جیره غذایی حیوان چیزی است که در کیسه ریخته‌اند. اما اگر گاو و گوسفندان را به چراگاه ببرند در آن جا میدان وسیعی دارند، به هر طرف که بخواهند می‌روند، هر گیاهی را که سر راهشان باشد می‌خورند، خاصیت مرتع وسعت میدان فعالیت حیوان در چریدن است. (رک: فلسفی، ۱۳۹۸: ۱/ ۲۵۰)

شیطان نیز در مرتع عمر آدمی میدان فعالیت بسیار وسیع دارد، گاهی از اعضای ظاهری بدن استفاده می‌کنند مانند چشم و گوش و زبان و دست و پا و هر کدام را به مسیر گناه سوق می‌دهد و آدمی را به اعمال غیرمشموع وای می‌دارد. گاهی در چراگاه باطنی عمر انسان وارد می‌شود، فکر و اندیشه و تخیل و توهم را زمینه فعالیت‌های خود قرار می‌دهد و بر انسان را به راه گناه می‌برد، گاه آدمی را وادار می‌کند که به اعمال غیر مشروعی راضی شود و بر اثر این رضایت به گناه با آنان که مرتکب معاصی شده‌اند شریک شود، خلاصه، مرتع عمر آدمی برای چریدن شیطان میدان بسیار وسیعی دارد، هم از نظر جنبه ظاهری و قوای مادی بدن و هم از نظر معنوی و نیروهای روحانی انسان. علی علیه السلام در موارد متعدد وسوسه‌های گوناگون شیطانی را خاطر نشان فرموده و پیروان خود را از آن برحذر داشته است، از آن جمله در یکی از خطبه‌ها فرموده است: **إِنَّ الشَّيْطَانَ يُسَيِّ لَكُمْ طُرُقَهُ، وَ يُرِيدُ أَنْ يَحُلَّ دِينَكُمْ عُقْدَةً عُقْدَةً، وَ يُعْطِيَكُمْ بِالْجَمَاعَةِ الْفُرْقَةَ وَ بِالْفُرْقَةِ الْفِئْتَةَ، فَاصْدِفُوا عَنْ نَزْعَاتِهِ وَ نَفَثَاتِهِ، وَ اقْبَلُوا**

التَّصِيحَةَ مِمَّنْ أَهْدَاهَا إِلَيْكُمْ وَاعْقُلُوهَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ: شیطان، راههای خود را برای شما آسان می‌کند و قصدش این است که پیوندهای دینی ضمیرتان را گره بگشاید، جماعت شما را به پراکندگی مبدل سازد، و با تفرق افکنی ایجاد فتنه و فساد نماید، و برای همیشه مسلمانان را سیه روز و بدبخت کند. (خطبه ۱۲۱ نهج البلاغه)

### درخواست استمرار خیرسانی به دیگران

«وَ أَجْرٍ لِلنَّاسِ عَلَى يَدِي الْخَيْرِ وَ لَا تَمَحَّفُهُ بِالنِّسِ» اگر کسی یک یا چند بار در طول یک ماه صدقه بدهد عمل خیر انجام داده، ولی آن را صدقه جاریه نمی‌گویند.

امام علیه السلام که از خداوند جریان خیر را برای مردم به دست خود تمنی می‌کند شاید از این نظر باشد که می‌خواهد بگوید: بارالها! در طول زندگیم وسایل را به گونه‌ای مهیا فرما که خیر من به طور مستمر عاید مردم شود و هرگز منقطع نگردد.

علی علیه السلام موقعی که مالک اشتر را مأمور مصر می‌نماید و حکومت آن کشور پنهاور را به وی می‌سپارد دستورهای لازم را ضمن عهدنامه مبسوطی که مرقوم فرموده، به وی می‌دهد و در اوایل نامه از بشر دوستی و محبت سخن می‌گوید و توصیه می‌کند که این سجیه انسانی را درباره تمامی مردم از مسلمانان و غیر مسلمان رعایت بنماید.

وَ أَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللَّطْفَ بِهِمْ، وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعاً ضَارِياً تَعْتَمِرُ أَكْلَهُمْ، فَأَيْتَهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَ إِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ... مالک! دلت را مهیا کن تا با رحمت و محبت و یا لطف و مهربانی با مردم برخورد نمایی. مبدا همچون درنده‌ای که خوردن شکار خویش را مغتنم می‌شمارد با آنان موجه گردی چه آن که مردم مصر دو گروه‌اند: یا از نظر دینی برادر تو هستند، یا از جهت آفرینش و خلقت همانند تو، و در هر صورت، انسان‌اند و باید با روش انسانی با آنان معامله نمایی. (نامه ۵۳ نهج البلاغه)

قال رسول الله ﷺ: الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ تَعَالَى - فَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَيَّ اللَّهُ مَنْ نَفَعَ عِيَالُ اللَّهِ - أَوْ أَدَخَلَ عَلَيَّ أَهْلَ بَيْتِ سُرُوراً وَ مَشِيٍّ مَعَ أَخٍ مُسْلِمٍ فِي حَاجَتِهِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ اعْتِكَافٍ شَهْرَيْنِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ. همه خلق عیال خدا هستند، پس

محبوب‌ترین خلق به درگاه خدا کسی است که به عیال خدا سودی رساند یا خانواده‌ای را خوشحال کند یا در پی برآوردن حاجت برادر مسلمانش باشد که این نزد خدا از اعتکاف دو ماه در مسجد الحرام محبوب‌تر است.؛ (مجلسی، ۱۳۱۵: ۷۱/۳۱۶)

احساس نمودن و نفع رسانیدن به بندگان خدا لازمه دگردوستی و انسانیت است و این مهم در اسلام، پسندیده و ممدوح شناخته شده است. امام علیه السلام از خدا می‌خواهد که او را در طول ایام زندگی به انواع خوبی‌ها و خیرات نسبت به انسان‌ها موفق و موید بدارد.

ناگفته نماند که نه تنها احسان و نیکی به مردم باعث جلب رحمت باری تعالی است، بلکه احسان به حیوان نیز می‌تواند آدمی را مشمول رحمت خداوند بنماید و بر اثر آن گناهش مورد عفو قرار گیرد.

### درخواست برقراری پیوند، صلح و سازش

امام سجاد علیه السلام در فرازی دیگر از خداوند درخواست نمودند «صَمِّ أَهْلَ الْفُرْقَةِ، بارالها! موفقم بدار تا آنان را که گرفتار پراکندگی و تفرق‌اند به هم پیوند دهم». اختلاف و پراکندگی می‌تواند منشأ فساد شود و افراد را به گناهای از قبیل بدگویی و دشنام، تحقیر و اهانت، غیبت و تهمت و گناهای بزرگتر وادار سازد، از این رو امام علیه السلام برای حفظ عدل از پیشگاه خداوند، پیوند دادن پراکندگان و اصلاح ذات‌البین را تقاضا نموده است.

قرآن شریف در موارد متعدد، مسلمانان را از تفرق و پراکندگی منع نموده و آنان را از این بلای بزرگ که ذلت و سقوط در پی دارد بر حذر داشته است. یک جا فرموده: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾؛ ریسمان خدا را محکم در دست نگاه دارید و پراکنده نشوید (آل عمران: ۱۰۳)

قرآن شریف اختلاف کلمه را در ردیف عذاب‌های سماوی و ارضی به حساب آورده و فرموده است: قل هو القادر علی ان یبعث علیکم عذابا من فوقکم او من تحت ارجلکم او یلبسکم شیعا و یدیق بعضکم بأس بعض؛ ای پیامبر! به مردم بگو: خداوند قادر است عذاب

را از بالای سر شما یا از زیر پای شما بفرستد یا شماها را دچار اختلاف کلمه نماید و بعضی به عذاب بعض دیگر گرفتار آیند. (انعام: ۶۵)

### درخواست اصلاح ذات البین

«إِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ» «توفیقم ده که اختلاف بین افراد را با اصلاح دادن آنان از میان بردارم».

اصلاح ذات البین و پایان دادن به اختلاف دو یا چند نفر مسلمان از اعمال مقدس در آیین اسلام می باشد و در این باره روایات بسیاری از اولیای گرامی اسلام رسیده است. عن النبی صلی الله علیه و آله: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلِ مِنْ دَرَجَةِ الصَّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَالصَّدَقَةِ؟ صَلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ، فَإِنَّ فَسَادَ ذَاتِ الْبَيْنِ هِيَ الْحَالِقَةُ؛ رسول اکرم (ص) فرموده: آیا به شما خبر ندهم به چیزی که درجه آن برتر و بالاتر از نماز و روزه و صدقه است؟ آن اصلاح ذات البین است. زیرا تیره شدن رابطه بین مردم ریشه کن کننده دین است. (ورام، ۱۴۱۰: ۳۹/۱)

الإمام الصادق عليه السلام: صَدَقَةٌ يُجِبُّهَا اللَّهُ: إِصْلَاحُ بَيْنِ النَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا، وَتَقَارُبُ بَيْنِهِمْ إِذَا تَبَاعَدُوا. امام صادق عليه السلام: صدقه ای که خدا آن را دوست دارد عبارت است از: اصلاح میان مردم هرگاه رابطه شان تیره شد، و نزدیک کردن آن ها به یکدیگر هرگاه از هم دور شدند. (کلینی، ۱۳۶۹: ۲۰۹/۲)

علل و عوامل متعددی می تواند مایه اختلاف شود و دو نفر را از هم جدا کند. گاهی جدایی بر اثر عدم رعایت حدود و حقوق اخلاقی دوستان است و گاهی منشأ اختلاف، امر مالی است، و گاه عوامل دیگر. کسی که می خواهد اصلاح ذات البین نماید باید بکوشد که ماده اختلاف را از میان بردارد و ائمه معصومین علیهم السلام این مهم را به هر شکلی که بود اصحاب و دوستان خویش را حل می کردند.

در حدیث رسول اکرم صلی الله علیه و آله صریحاً آمده است که اصلاح و صلاح ذات البین از نماز و روزه افضل و برتر است. اگر کسی سؤال کند که علت این مزیت و برتری چیست و چرا اصلاح و صلاح ذات البین بالاتر از نماز و روزه است، می توان گفت: نماز و روزه به منزله دو



شاخه بزرگ و ثمر بخش از شجره طیبه اسلام است و هر دو در پیشگاه الهی قدر و منزلت بسیار دارند ولی می‌دانیم که اصل درخت یعنی اسلام از دو شاخه نماز و روزه به مراتب مهم‌تر است زیرا شاخه از درخت ارتزاق می‌کند و موقعی زنده است و بار و برگ می‌دهد که درخت زنده باشد و اگر درخت دچار ضعف شود و در خطر مرگ قرار گیرد شاخه‌ها پیش از مرگ درخت می‌میرند و حیات خود را از دست می‌دهند، نگهبان شجره طیبه اسلام ذات اقدس الهی است.

البته در شرایط وحدت و محبت، حیات دین تجدید می‌شود، نماز جماعت و مجالس وعظ رونق می‌گیرد، به روزه ماه رمضان و دیگر امور دینی توجه می‌کنند و این همه موفقیت بر اثر صلاح و اصلاح است، پس اصلاح ذات البین برتر از نماز و روزه است.

### درخواست حُسن رفتار

امام سجاده علیه السلام از خداوند می‌خواهد مسلمانان را موفق بدار که در جمیع شئون زندگی سیره حمیده و روش پسندیده د پیش گیرند. «حسن السیره» حسن سیره ناشی از حسن سریره است و روش خوب از نیت خوب سرچشمه می‌گیرد؛ چراکه آدمی اگر از فکر بد و اندیشه پلید فاصله گرفت، در زندگی سیره و روش خوب خواهد داشت.

### آسیب‌ها و موانع

امام سجاده علیه السلام در متن دعای مکارم الاخلاق، علاوه بر بیان سجایای والای اخلاقی، رذایل و موانعی که در مسیر راه کمال انسان قرار دارد را برشمرده‌اند، که با در نظر گرفتن ظرفیت نوشتار، برخی موارد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### عُجب؛ عامل فساد عبادت

امام سجاده علیه السلام عُجب در عبادت را عاملی برای نابودی اعمال معرفی کردند و فرمودند: «و لا تفسد عبادتی بالعجب» در معنای عُجب گفته شده: «العجب فی العباده استعظام

العمل الصالح و استکباره و ان یری المعجب نفسه خارجاً عن حد التقصیر وهذا هود العجب المفسد للعباده» عجب در عبودیت و بندگی عبارت از این است که شخص معجب، عبادت خود را عظیم بشمارد و آن را مهم و بزرگ به حساب آورد و خویشتن را از حد تقصیر خارج پندارد و تصور کند که هیچ کمبودی در عبادات و اعمال صالحه خود ندارد، و این حالت روانی، آن عُجبی است که به موجب روایات اولیای اسلام فاسدکننده عمل است. (مجلسی، ۱۳۱۵: ۳۰۶/۶۹)

در روایتی پیامبر اکرم رذیله عجب را سبب هلاکت آدمی دانسته و فرمودند: عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم: «ثلاث مهلكات: شح مطاع و هوی متبع و اعجاب المرء بنفسه»؛ پیامبر اسلام سه خلق بد را مایه هلاک افرادی که به آنها مبتلا هستند معرفی نموده: اول بخلی که شخصی بخیل مطیع آن باشد، دوم هوای نفسی که آدمی از فرمانش پیروی نماید، و سوم آن که شخص خود را و همچنین کارهای خود را با چشم غرور و اعجاب بنگرد. (عاملی، ۱۴۱۴: ۱۰۳/۱)

امام سجاد علیه السلام آن قدر، خودبینی و عجب در زمینه عبادات را خطرناک می‌داند که از پیشگاه الهی درخواست می‌کند:

«و لا تفسد عبادتی بالعجب» منظور از افساد الشیء: «اخراجہ عن ان ینتفع به؛ فاسد نمودن چیزی عبارت از آن است که آن چیزی را از فایده و نفعی که باید از آن عاید گردد خارج سازیم و از بهره بیندازیم.

ناگفته نماند که خودبینی و عجب، نه تنها در عبادات اثر بد می‌گذارد و آن‌ها را فاسد می‌کند بلکه در سایر امور مانند علم، اخلاق، درک حقایق، فکر واقع بین، مشاوره با دیگران، و سایر امور اجتماعی و شئون زندگی نیز اثر بد دارد و آدمی را از فعالیت صحیح باز می‌دارد، نیروی خرد را تضعیف می‌کند و موجبات انحطاط آن را فراهم می‌آورد.

در کلام گهربار امام علی علیه السلام عجب از دلایل ناتوانی عقل شمرده شده است. من کلمات علی علیه السلام قال: اعجاب المرء بنفسه یدل علی ضعف عقله؛ (کلینی، ۱۳۶۹: ۲۷/۱)

اولیای گرامی اسلام همواره مراقب اصحاب و دوستان خود بودند و اگر در پاره‌ای از مواقع بر اثر پیشامدی ممکن بود دچار عجب و خودبینی شوند تذکر می‌دادند و آنان را از خطر سقوط اخلاقی محافظت می‌نمودند.

حضرت در بندهای دیگر دعا نیز به این مطلب اشاره دارند که «عَمَّرَنِي مَا كَانَ عُمْرِي بِذُلَّةٍ فِي طَاعَتِكَ...» «وَلَا تَبْتَلِيَنِي بِالْكَسَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ» «فَلَا أَشْتَغَلْ عَنْ عِبَادَتِكَ بِالطَّلَبِ، وَلَا أَحْتَمِلَ إِضْرَتِغَاتِ الْمَكْسَبِ».

### کسالت، آفت در عبادت

«وَلَا تَبْتَلِيَنِي بِالْكَسَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ»

امام علیه السلام در زمینه عبادت کلمه کسل را به کار برده و از خدا خواسته است که به آن حالت زینبار مبتلایش ننماید. برای آن که مقصود امام روشن شود لازم است معنای کسل به خوبی واضح گردد. راغب در مفردات می‌گوید: **الكسل التثاقل عما لا ينبغي التثاقل عنه و لاجل ذلك صار مذموما** کسل عبارت از این است که آدمی انجام عملی را ثقیل و سنگین وانمود نماید، با آن که شایسته است در اتیان آن عمل از خود نشاط و تحرک نشان بدهد، به همین جهت کسل از صفات مذموم شناخته شده است. (راغب، ۱۴۱۲: ذیل ماده الكسل) تمام کارهایی که به دست مردم عمل می‌شود، خواه برای زندگی دنیا باشد یا سعادت آخرت، اگر خواسته باشند به خوبی انجام پذیرد باید با نشاط و علاقه‌مندی و منزّه از کسل و سستی تحقق یابد.

### اثر بخشی نشاط

دانشمندان بزرگ جهان که به اکتشافات و اختراعات حیرت‌زا موفق گردیدند و به سربلندی و افتخار نائل آمدند برای این بود که عاشق کاوشهای فرهنگی و تحقیقات علمی خود بودند و در محل کار خویش سر از پا نمی‌شناختند و تمام وجودشان غرق نشاط بود. اولیای گرامی اسلام که به تعالی مادی و معنوی مسلمین علاقه داشتند ضمن روایات

متعددی توصیه نموده‌اند که کارهای دنیوی و اخروی خویش را با نشاط و دلگرمی و منزّه از فتور و سستی انجام دهند. در این جا بعضی از روایات ذکر می‌شود.

عن ابی جعفر علیه السلام قال: **إِنِّي لِأُبْغِضُ الرَّجُلَ أَوْ أُبْغَضَ لِلرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ كَسْلَانًا [كَسْلَانًا] عَنِ أَمْرِ دُنْيَاهُ وَ مَنْ كَسِلَ عَنِ أَمْرِ دُنْيَاهُ فَهُوَ عَنِ أَمْرِ آخِرَتِهِ أَكْسَلُ؛** امام باقر علیه السلام فرمود: مورد بغض و بدبینی من است مردی که در امور دنیای خود مهمل و بی‌رغبت است، چنین انسانی اهمال و فتورش در امر آخرت بیشتر خواهد بود. (کلینی، ۱۳۶۹: ۵ / ۸۵)

### کینه، اختلاف و تفرقه

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَبْدِلْنِي مِنْ بَغْضَةِ أَهْلِ الشَّنَانِ الْمَحَبَّةَ، وَ مِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبَغْيِ الْمَوَدَّةَ، وَ مِنْ ظَنِّهِ أَهْلِ الصَّلَاحِ التَّقَى وَ مِنْ عَدَاوَةِ الْأَدْنِيِّينَ الْوَلَايَةَ، وَ مِنْ عُقُوقِ ذَوِي الْأَرْحَامِ الْمَبَرَّةَ، وَ مِنْ خِدْلَانِ الْأَقْرَبِينَ التُّصْرَةَ ...

خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست و کینه توی کینه توزان را درباره من به محبت و دوستی مبدل فرما. حسادت اهل معصیت و ظلم را به دوستی مبدل فرما. دشمنی من با نزدیکانم را به دوستی تبدیل کن. جدایی‌ها و دورشدن از نزدیکان را به پیوند با آنها تبدیل کن. ترک یاری نزدیکانم را به یاری آنان درباره من، تبدیل فرما...  
در این فراز به برخی آسیب‌ها در حوزه روابط اجتماعی اشاره شده این آسیب‌ها در روابط اجتماعی پیامدهایی بدنبال دارد. از جمله این که:

### الف) غلبه اهل باطل

از جمله عذاب‌هایی که بر اثر تفرقه در امر دین دامنگیر جامعه می‌شود این است که اهل باطل غلبه می‌کنند، پیروزی به دست می‌آورند و اهل حق را در بلا و گرفتاری قرار می‌دهند

عن النبی صلی الله علیه و آله قال: «ما اختلفت امة بعد نبیها الا ظهر اهل باطلها علی اهل حقها؛ رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: هیچ امتی بعد از پیامبر خود اختلاف ننمود جز آن که

اهل باطل بر اهل حق پیروز گشتند». مجلسی، ۱۳۱۵: ۳۲ / ۵۹۵، ح ۴۷۴) در محیطی که اختلاف و تفرق حاصل گردد افراد نادرست از فرصت استفاده می‌کنند، فکریهای شیطانی و منویات خائنانه خویش را به کار می‌اندازند، از نظر معنوی، مردم را به ضلالت و گمراهی سوق می‌دهند و از نظر مادی به خیانت و تجاوز دست می‌زنند و جامعه را به راه سقوط و تباهی می‌کشانند.

### ب) غلبه شیاطین

عن علی علیه السلام قال: ایاکم و الفرقة فان الشاذ من الناس للشیطان، كما ان الشاذ من الغنم للذئب. علی علیه السلام فرموده: از پراکندگی و تفرق بپرهیزید که انسان دور افتاده از جماعت طعمه شیطان است همانطوری که گوسفند جدا شده از گله طعمه گرگ. (نهج البلاغه، خطبه: ۱۲۷)

امام سجاد علیه السلام خواستار وحدت کلمه در بین مردم پراکنده است و در پیشگاه الهی عرض می‌کند: و ضم اهل الفرقة: بار الها! موفقم بدار تا اهل تفرق را به هم پیوند دهم و اختلافشان را به وحدت مبدل نمایم.

### راه درمان؛ بیدارسازی عقول

اگر کسی بخواهد مردمی را از بلای پراکندگی نجات دهد و بیماری تفرقشان را درمان نماید باید در قدم اول، عقلهای خفته آنان را بیدار کند، افکارشان را فعال نماید، آنان را به تعقل وادار سازد تا به خیر و شر خود بیندیشند، روا را از ناروا تمیز دهند، راه باطل را ترک گویند، و به راه حق و فضیلت گرایش یابند.

از کلام مولی الموحدین امیرالمؤمنین بر می‌آید که علت اصلی تفرق مردم در عصر آن حضرت این بود که عملاً عقل‌ها را از کار انداخته و بی‌اثر گذارده بودند، اما هوای نفسشان آزادانه فعالیت داشت و بر آنان حکومت می‌کرد.

ایها القوم الشاهدة ابدانهم الغائبة عنهم عقولهم، المختلفة هواؤهم، المبتلی بهم امرائهم؛

مخاطب علی علیه السلام در این عبارت قومی است که ابدانشان آشکار است، عقولشان از آنان غایب و نهان، هوی و تمایلاتشان مختلف، و فرمانروایشان مبتلا و گرفتار آنان هستند. (نهج البلاغه، خطبه: ۹۷)

متأسفانه واپس زدن هوای نفس و تضعیف قدرت آن، به کار انداختن نیروی خرد، و تقویت حکومتش در کشور تن، کاری است بس دشوار و مشکل. اولیای گرامی اسلام برای آن که وضع عقل را در مقابل هوای نفس بیان نمایند و پیروان خود را از این امر مهم آگاه سازند ضمن تشبیهات متعددی این حقیقت را توضیح داده‌اند.

عن ابی‌عبدالله علیه السلام قال: الهوی یقظان و العقل نائم؛ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هوای نفس بیدار است و عقل در خواب. (مجلسی، ۱۳۱۵: ۲۲۸/۷۸)

بزرگترین عامل وحدت انسان‌ها کلمه توحید و ایمان به خدای یگانه است و معبودهای متفرق منشاء تفرق افکار و در نتیجه، موجب اختلاف و پراکندگی افراد است.

امام سجاد علیه السلام در قسمت اول سخن خود در پیشگاه الهی فرمودند: **و ضم اهل الفرقة:** بارالها! موفقم بدار تا بین مردم متفرق و از هم جدا رابطه دوستی برقرار نمایم. برای آن که حضرت زین العابدین علیه السلام به مقصود خویش دست یابد و به این مهم نائل گردد باید مردم را از اطاعت هوای نفس و پیروی از تمایلات ناروا برحذر دارد، آنان را به تعقل و تفکر بخواند تا خوب را از بد و صلاح را از فساد تمیز دهند، به صراط سعادت گرایش یابند، و از راههای انحرافی که منشأ فساد و تباهی است دوری گزینند. البته انجام چنین کاری بسیار مشکل است ولی امام برای رسیدن به این مقصود مقدس از سختی‌ها نمی‌هراسد و برای آن که با توفیق الهی به خواسته درونی خویشتن جامه تحقق ببوشاند ناملازمات را تحمل می‌کند و به قدر توان خود مجاهده می‌نماید.

## ارائه الگو

با بررسی محتوایی دعای مکارم الاخلاق، امکان بهره‌گیری از مضامین دعا در طراحی الگوهای تربیتی معطوف به هدف معنویت و اخلاق از اهداف بیانیه گام دوم انقلاب فراهم

می باشد این الگو در سه زمینه:

فضایل و رذایل انسانی که با توجه به رابطه انسان و خداوند لحاظ می شوند؛ (اخلاق

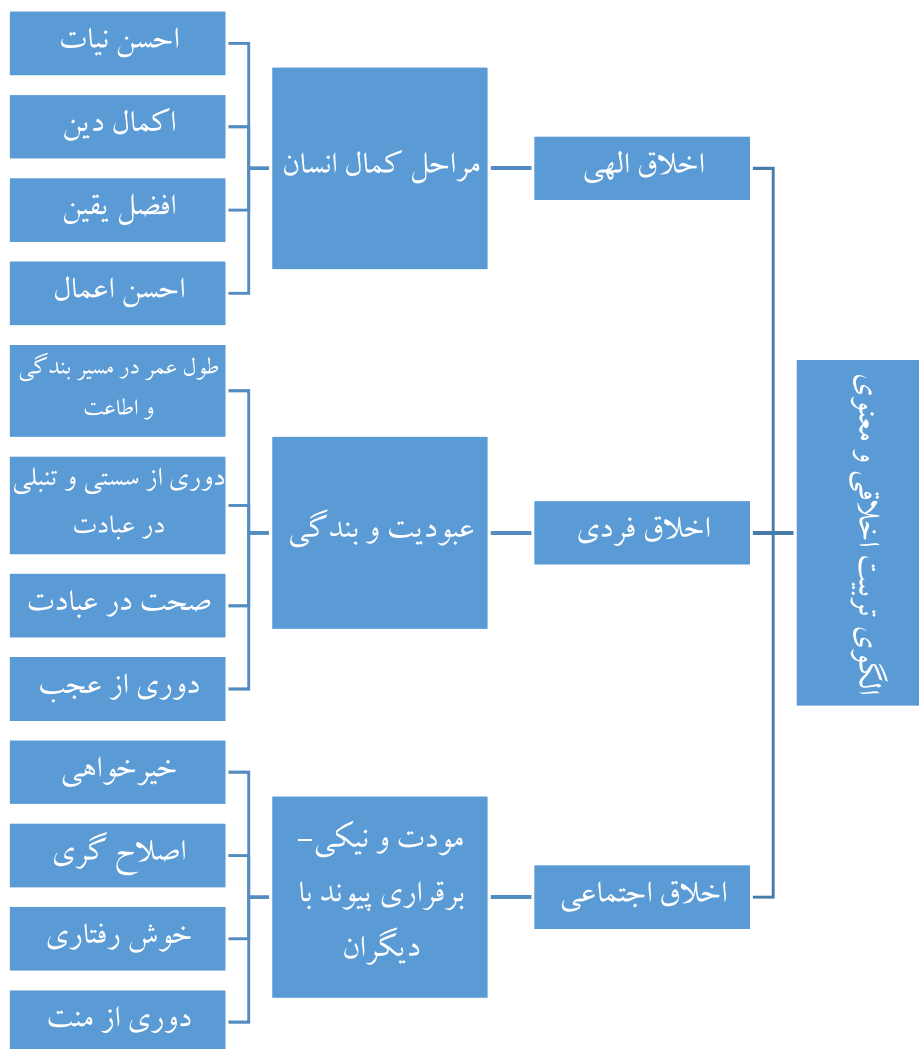
الهی)

کارهایی که به خود شخص مربوط می شود؛ (اخلاق فردی)

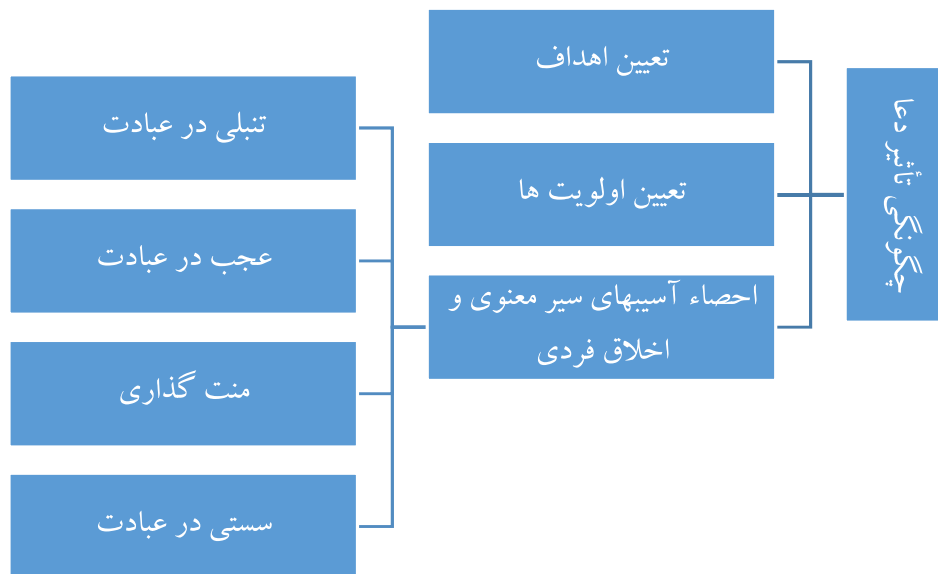
ملکات و صفاتی که در رابطه و معاشرت انسان و جامعه پیدا می شود؛ (اخلاق

اجتماعی)

در صورت اجرا توسط دست اندرکاران امر تعلیم و تربیت، صدا و سیما، وعاظ و.... می تواند هدف معنویت و اخلاق را در جامعه محقق سازد. با این توضیح که، در متن بیانیه رهبر انقلاب، معنویت و اخلاق را جهت دهنده همه حرکتها و فعالیت های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه می دانند؛ بنابراین اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛







### نتیجه

درخواست‌ها در دعای مکارم الاخلاق شامل اخلاقیات در سه محور اخلاق الهی، اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی است که با توجه به فرازهای مختلف این دعا، امکان طراحی الگوهای تربیتی معطوف به هدف معنویت و اخلاق از اهداف بیانیه گام دوم انقلاب فراهم می‌باشد. همچنین تعیین اولویت‌های تعیین اهداف و شناسایی آسیب‌ها و موانع موجود در مسیر معنویت و اخلاق از تأثیرات بررسی دعا می‌باشد که با توجه به رعایت حجم نوشتار، فرازهایی از دعا مورد بررسی قرار گرفت. در واقع با تحلیل محتوایی دعای مکارم الاخلاق، الگویی از معنویت و اخلاق به عنوان یکی از اهداف بیانیه گام دوم رهبر کبیر انقلاب طراحی گردید.

## منابع

۱. نهج البلاغه، ترجمه صبحی صالح.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، بی تا، الخصال، قم، جامعه مدرسین.
۳. حرّعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، وسایل الشیعه، آل البيت.
۴. خمینی، روح الله، ۱۳۷۸، صحیفه امام، تهران، ج ۱۶، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ه. ق، مفردات ألفاظ القرآن، ۱ جلد، لبنان - بیروت، دار الشامیة.
۶. صادقی، حسن، ۱۳۹۶، اخلاق اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۷. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵ ه. ش. چاپ: ۳، مجمع البحرين، ۶ جلد، تهران، مرتضوی.
۸. فراهیدی، خلیل ابن احمد، ۱۴۰۸ق، کتاب العین، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات (الطبعة الاولى).
۹. فلسفی، محمد تقی، ۱۳۹۸، شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۹، اصول کافی، ترجمه مصطفوی، انتشارات علمیه اسلامیة، تهران.
۱۱. مجلسی، محمد باقر، ۱۳۱۵، بحار الانوار لدرر اخبار الائمة، بیروت، دارالکتب الاسلامیه.
۱۲. المدنی الشیرازی، سید علی خان، بی تا، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، ج ۳، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۳. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۹۴، فلسفه اخلاق، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۱۴. مصباح، علی، ۱۳۸۹، «واکاوی مفهومی معنویت و مسئله معنا»، اخلاق پزشکی، دوره ۴، شماره ۱۴.
۱۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۲، مقدمه ای بر جهان بینی توحیدی، تهران، انتشارات صدرا.
۱۶. ورام، مسعود بن عیسی، ۱۴۱۰، مجموعه ورام، قم، مکتبه فقیه.